

ضمیمه شماره ۴: گزارش عفو بین‌الملل:

در مورد تجاوز جنسی به؛

۴۵ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات «زن - زندگی - آزادی» در فاصله ماه‌های
سپتامبر (مهر) تا دسامبر (دی‌ماه) ۲۰۲۲ (۱۴۰۱)

تاریخ انتشار ۲۰۲۳

مقدمه

عفو بین‌الملل (Amenesty International) یک سازمان بین‌المللی مستقل است که از ۱۹۶۱ موارد نقض حقوق بشر را در دنیا بررسی و گزارش می‌دهد. در زمان حکومت محمدرضاشاه، عفو بین‌الملل گزارش‌های متعددی از نقض حقوق بشر در ایران را نشر داده و از بعضی از روحانیون دفاع کرده است. پس از خیزش «زن - زندگی - آزادی» در ماه‌های مهر تا دی‌ماه ۱۴۰۱، کشتار و بازداشت‌های گسترده‌ای توسط مقامات اطلاعاتی - امنیتی - نظامی، صورت گرفت. در دوران بازداشت معترضین، شکنجه‌های متعدد و متنوعی اعمال شده است. یکی از شنیع‌ترین شکنجه‌ها تجاوز جنسی (به زن و مرد) و خشونت‌های دیگر جنسی - غیر از تجاوز جنسی - بوده است.

عفو بین‌الملل توانسته است از طریق افراد شکنجه شده، دوستان، اقوام و روان درمان‌کننده‌های مطلع، ۴۵ مورد از شکنجه‌ها و خشونت‌های جنسی را مستند و راست‌آزمایی کند. این موارد را در یک گزارش ۱۲۰ صفحه‌ای به زبان انگلیسی در ۲۰۲۳ (پائیز ۱۴۰۲) منتشر کرده است. عنوان این گزارش: «آنها با خشونت به من تجاوز کردند» و تیترو فرعی این گزارش عبارت است از: «خشونت جنسی اسلحه‌ای بوده است تا خیزش «زن - زندگی - آزادی» را در ایران سرکوب کنند» «They Violently Raped Me»

“Sexual Violence Weaponised to Crush Women Life Freedom Uprising”

این گزارش در سایت عفو بین‌الملل Ammesty.Org با ایندکس؛ Index: MDE

13/7480/2023 در دسترس می‌باشد.

مسئولین جمهوری اسلامی، اعم از رهبری، قوه قضائیه، سپاه پاسداران، وزرات اطلاعات، نیروی انتظامی، اگر به این گزارش اعتراض دارند باید برای رفع اتهام؛ دادگاهی

مستقل از قضات وابسته به نیروهای سرکوب‌گر و از قضات مستقل که شأن و منش قضایی را حائز باشند، تشکیل دهند و از وکلای «عفو بین‌الملل» دعوت کند که در این دادگاه علنی که با استانداردهای بین‌المللی قضایی، عمل خواهد کرد، از مستندات خود دفاع کنند و آنها را پس بگیرند یا اثبات کنند. مستندات و ادعاهای عفو بین‌الملل به‌قدری وحشیانه، خشن، حیوان‌وش، ضدشرعی، ضدانسانی، ضدفقهی و ضداسلامی می‌باشد که در کشوری که توسط فقها و فقه و شرع اداره می‌شود، کسی جرأت دفاع علنی را از آنها نخواهد داشت. می‌ماند رویکرد مسئولین فوق‌الذکر جمهوری اسلامی که چه باید بکنند؟ از دو حال خارج نیست:

۱- این شکنجه‌ها و رفتارهای وحشی توسط افراد نفوذی دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی کشورهای مخالف (از جمله اسرائیل، آمریکا و...) که در گذشته در موارد دیگری هم دیده شده برای لطمه زدن به جمهوری اسلامی بوده، که باید دستگاه‌های عریض و طویل اطلاعاتی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران آنها را شناسایی، معرفی، محاکمه و کیفر کنند و از خود اعاده حیثیت نمایند یا

۲- این شیوه‌ی شکنجه، یک روش سیستماتیک و گسترده در نهادهای مقابله‌گر جمهوری اسلامی با معترضین مدنی می‌باشد، مخصوصاً در ۱۷ استان مستندسازی شده است. در گذشته هم مواردی از این نوع شکنجه در سال‌های طولانی گزارش شده است، ولی به شکل کنونی در «جنبش مهسا» چنین گستردگی‌ای نداشته است. در این صورت مسئولان جمهوری اسلامی که فقیه هستند و با فقاقت و شرع مملکت را اداره می‌کنند، باید توجیه یا عذرخواهی نمایند. در صورت توجیه اعمال، به جامعه بگویند که برای «حفظ قدرت» از هر شکنجه‌ای رویگردان نخواهند بود و در صورت عذرخواهی، تأیید و تأکید خواهند کرد که این شکنجه‌های نادر در جهان امروز را دیگر در دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی، ادامه نخواهند داد.

تأکید بر این شکنجه‌های شنیع که فقط از انسان‌های بیمار و روانی انجام می‌شود به این معنی نیست که از موارد دیگر نقض حقوق شهروندان غمض‌عین شود. مواردی چون شلیک به چشم، عمدتاً زنان و دختران و نابینا کردن آنها (و یا کور کردن یک چشم)، وارد کردن ضربات سهمگین به سر و بدن معترضین که در مواردی منجر به مرگ شده است، احکام زندان طولانی، اعدام و... هم موارد نقض قانون می‌باشند که باید در اعتراضات مدنی، خشونت پرهیز و مردمی جامعه متوقف شوند.

ما، فشرده‌ای بسیار مختصر از این گزارش مفصل، دقیق و هوشمند «عفو بین‌الملل» را برای جلوگیری از تطویل کلام می‌آوریم و از شهروندان دردآشنا می‌خواهیم که برای اطلاعات بیشتر به اصل گزارش مراجعه کنند.

خلاصه‌ای از گزارش عفو بین‌الملل

این ۴۵ نفر که به آنها تجاوز شده و یا موارد دیگری از خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند؛ ۱۲ زن، ۲۶ مرد، یک دختر و شش پسر را شامل می‌شوند. این موارد که توسط عفو بین‌الملل مستند و راست‌آزمایی شده‌اند در ۱۷ استان ایران؛ البرز، آذربایجان شرقی، اصفهان، گیلان، هرمزگان، ایلام، کرمانشاه، خراسان رضوی، خوزستان، کردستان، لرستان، مرکزی، مازندران، تهران، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و زنجان به وقوع پیوسته است. هفت نفر آنها بلوچ و هشت نفر کرد بوده‌اند. از این ۴۵ نفر که مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند؛ ۱۶ نفر مورد تجاوز، ۲۹ نفر مورد سایر انواع خشونت جنسی واقع شده‌اند. از کسانی که مورد تجاوز واقع شده‌اند، ۶ نفر زن، ۷ نفر مرد، یک دختر ۱۴ ساله و دو پسر ۱۶ و ۱۷ ساله بوده‌اند. از ۱۶ نفری که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، ۶ نفر - چهار زن و دو مرد - مورد تجاوز گروهی (ده نفر مرد از عوامل حکومت واقع شده‌اند).

عوامل حکومت، زنان و دختران را مورد تجاوز از «واژن» و «مقعد» و مردان و پسران را مورد تجاوز از «مقعد» قرار داده‌اند.

قربانیان به وسیله آلت جنسی مردان، باتوم‌های چوبی و فلزی، بطری شیشه‌ای، لوله‌های پلاستیکی آب و انگشتان دست عوامل حکومت از واژن و مقعد، مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. هشت نفر از قربانیان در زندان‌های متعلق به سپاه پاسداران، چهار نفر در اتومبیل (ون)‌های متعلق به نیروهای امنیتی که سه مورد متعلق به «یگان ویژه» بوده، یک مورد در ساختمان دبستان یا مهد کودک که غیرقانونی به عنوان بازداشتگاه مورد استفاده موقت قرار گرفته، یک مورد در یک ساختمان مسکونی نزدیک پایگاه بسیج و دو مورد در ساختمان‌هایی که شناخته نشدند، مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.

۲۹ مورد دیگر که مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند، موارد دیگری از انواع تجاوز جنسی بوده است. در مورد زنان و دختران، مأموران امنیتی و اطلاعاتی مرد بودند و دستان‌شان را به زیر لباس آنها و حتی لباس زیر می‌بردند پستان‌ها، لمبر و عضو تناسلی آنها را چنگ می‌زدند، دستمالی می‌کردند، می‌زدند، مشت می‌زدند. آنها را در حضور مردان

زندانی لخت می‌کردند. بازرسی بدنی می‌کردند، ساعت‌ها و روزها، لخت نگه می‌داشتند، حتی در مقابل دوربین و در شرایط یخبندان، به زور مو آنها را کوتاه می‌کردند و با گرفتن موهایشان روی زمین می‌کشیدند و آنها و اعضای زن خانواده‌ها را تهدید به تجاوز می‌کردند.

در مورد مردان و پسران که مورد خشونت جنسی واقع شده‌اند، مأموران آنها و خانواده‌شان را به تجاوز تهدید می‌کردند مجبوره لخت شدن می‌کردند، و در حالی که لخت بودند در سرمای شدید نگه می‌داشتند. شوک الکتریکی به آلت تناسلی آنها وارد می‌کردند، سوزن به آلت تناسلی آنها وارد می‌کردند، بیضه‌های آنها را فشار می‌دادند، به لمبرهایشان ضربه می‌زدند و یخ روی بیضه‌هایشان به مدت طولانی قرار می‌دادند. تجاوز و خشونت جنسی همراه با سایر شکنجه‌ها اعمال می‌شد. خدمات پزشکی نمی‌دادند حتی اگر عفونت «واژن» و خونریزی «مقعد» داشتند و بارها این درخواست را می‌کردند و توجهی نمی‌شده است.

تجاوز و تجاوزگرویی

ده نفر از بازداشت‌شدگان توسط یک نفر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. به **کیان**، دانش‌آموز، با لوله‌ی لاستیکی آب تجاوز شده. رفیق او، **فرشاد**، که او هم دانش‌آموز بوده و خویشاوند او، **احمد**، نیز مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. به **کمال** و **علی** که در اعتراضات بوده‌اند، توسط باتوم و چوب و بطری، تجاوز شده است. **مهدی محمدی‌فر** و **سهیل**، به شدت زخمی شده‌اند که از مقعد دچار خونریزی شده و احتیاج به بستری شدن در بیمارستان داشته‌اند. **مهدی محمدی‌فر** به استناد اعترافات اجباری به مرگ محکوم شده است.

یک زن، **زهره**، در یک سند کتبی برای عفو بین‌الملل بیان کرده است که، موقعی که در ون متعلق به «یگان ویژه بوده یک نفر از عوامل حکومت، شلوار او را پائین کشیده و در حضور سایر زنان بازداشت شده به او تجاوز شده، او شاهد بوده است که سایر مأموران به دو زن که روسری داشته‌اند، دستور داده‌اند که اعمال شفاهی خشونت جنسی علیه او (**زهره**) به کار ببرند و موقعی که یکی از زنان امتناع می‌کند، با کشیدن موهای او، او را از ون به بیرون پرتاب می‌کنند.»

مادر زن دیگری، **پریسا**، به عفو بین‌الملل گفته است که دخترش در ون مورد تجاوز

واقع شده است و مأمور انگشت در اندام جنسی او (واژن) کرده است.

یک دختر دانش‌آموز، زینب، که پس از بازداشت در یک محل نامشخص نگهداری می‌شده است، یک روانپزشک که او را معالجه کرده است به عفو بین‌الملل گفته است که تجاوز در آخرین روز بازداشت یک ماهه او، اتفاق افتاده و مأمور به او گفته که اگر آزادی می‌خواهد باید به تجاوز آنها، تن در دهد، او مجبور به این کار بوده است. این مأمور زینب را تهدید کرده است که اگر به کسی این تجاوز را بگوید، خانواده او هم آسیب خواهند دید.

شش نفر از ۱۶ نفر که آسیب آنها توسط عفو بین‌الملل مستند شده‌اند، ۴ نفر زن و دو نفر مرد می‌باشند که مورد تجاوز گروهی قرار گرفته‌اند.

گروه‌های متعددی به مریم از طریق «واژن» و «مقعد» با آلت تناسلی‌شان و بطری شیشه‌ای در زندان سپاه پاسداران، تجاوز کرده‌اند. او به خاطر می‌آورد که پاسداران به او گفته‌اند که:

«شما به آلت تناسلی مردان عادت دارید، لذا ما به شما زمان خوبی را نشان دادیم. این چیزی نیست که در آزادی دنبال آن هستید؟»

نیروهای امنیتی دانشجوی دانشگاه، سیمین را به داخل ون بردند، در حالیکه چشمانش را بسته بودند، در یک ساختمان نامشخص او توسط دو مرد، در حالیکه یک زن مأمور هم به مردان متجاوز کمک می‌کرده، مورد تجاوز قرار گرفت. او به عفو بین‌الملل گفت که:

یک زن به من دستور داد که لباس‌هایم را درآورم.... در حالیکه لباس‌هایم را در می‌آوردم، دو مرد وارد اتاق شدند. زن و یکی از مردان وحشیانه مرا روی زمین نگهداشته بودند در حالیکه مرد دیگر به من تجاوز کرد.... من روی زمین دراز کشیده بودم بدون احساس حیات، بعد، موقعی که مرد دوم... کسی که مرا در زمان تجاوز اول نگهداشته بود، دوباره به من تجاوز کرد.

گروه‌های متعددی به معترض، شیرین، طبق گفته یک متخصص روان درمان که او را درمان کرده است از «واژن» و «مقعد»، توسط آلت تناسلی‌شان و باتوم تجاوز کرده‌اند در حالیکه او را در یک منطقه مسکونی خالی از سکنه نزدیک پایگاه بسیج به مدت ۹ ساعت نگهداشته بودند.

اعضای متعددی از نیروهای امنیتی با لباس شخصی به فاطمه طبق گفته متخصص روان درمان که او را درمان می‌کرده است، در موارد متعددی از «واژن» و «مقعد» تجاوز کرده‌اند

در حالیکه دو هفته او را در محلی نگه می‌داشته‌اند که به قول خودش، کلاس مدرسه بوده است که به طور غیر قانونی از آن استفاده می‌کرده‌اند.

فرزاد، به عفو بین‌الملل گفت که عوامل لباس شخصی گروه‌های متعدد وابسته به حکومت به او و شاهد، معترض دیگر، در یک ون متعلق به یگان ویژه پلیس، تجاوز کرده‌اند، بعد از اینکه دستور آنها را در مورد لخت شدن، اطاعت نکردند. او به خاطر می‌آورد که:

«ما را رو به دیوار قرار دادند و شوک الکتریکی به پاهای ما وارد کردند... مرا با زدن باتوم شکنجه می‌کردند، مشت و لگد به من می‌زدند بینی و دندان‌های من را شکستند. شلوارم را پائین کشیدند و به من تجاوز کردند... مقعد من پاره شده بود بارها به این طرف و آن طرف پرتاب کردند. مقعد من خونریزی کرد.»

عفو بین‌الملل شکنجه پنج نفر دیگر را مستند کرده است:

منصوره ده‌مرده، مهدی محمدی‌فر، ابراهیم نارویی، جواد روحی و مجید کاظمی که مورد تجاوز جنسی و سایر موارد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند و بعد به اعدام محکوم شده‌اند. حکومت ایران، مجید کاظمی را در ۱۷ می ۲۰۲۳ اعدام کرد در حالیکه جواد روحی در زندان با شرایط مشکوک در ۳۱ اوت فوت کرد.

سحر یک زن بلوچ، با جزئیات ضربات روحی وارد شده با خشونت جنسی را هنگام بازداشت بیان می‌کند، لباس‌های او را از تنش درآوردند، پستان‌ها و آلت تناسلی او را لمس و بدن و رنگ پوست او را مسخره می‌کردند و تهدید به تجاوز می‌نمودند؛ او می‌گوید:

«من یک مبارز در زندگی‌ام بودم، حتی موقعی که جمهوری اسلامی سعی داشت مرا بشکند. معه‌ذا، اخیراً خیلی زیاد به خودکشی فکر می‌کنم. آن مقاومت قبلی را ندارم. مانند فردی هستم که تمام روز صبر می‌کند تا شب فرا رسد و بخوابد.»

سخن پایانی:

مطالب فوق‌الذکر، فشرده و خلاصه‌ای بود از یک گزارش ۱۲۰ صفحه‌ای عفو بین‌الملل، سؤال هر انسان، هر مسلمان، هر مسوول در جمهوری اسلامی... باید این باشد که در جمهوری اسلامی عوامل حکومت، برای حفظ قدرت آنها یا به دلیل ناتوانی در اداره‌ی مملکت، عوامل «نفوذی» یا «اراذل و اوباش» چه می‌کنند؟ به چه دوره‌ای از تاریخ توحش بازگشته‌ایم؟ موارد تجاوز جنسی و اهانت در افغانستان و عراق و... و در زمان اشغال

گزارش شده‌اند ولی مقامات امریکایی، حتی برای حفظ ظاهر به این موارد رسیدگی می‌کردند. آیا اراده‌ای و انگیزه‌ای در مقامات «جمهوری اسلامی ایران» برای رسیدگی به این اعمال شنیع و حیوانی وجود دارد؟ و الا به کجا می‌رویم؟ برای چه می‌رویم؟ آیا برای رسیدن به «قله»، به تأکید رهبری، باید از این مسیرها، عبور کنیم؟ راهی غیر از این نیست؟

چند سؤال از مراجع عظام، فقهای دردمند حوزه‌ها:

- ۱- آیا در حکومت‌های اسلامی ۱۴ قرن گذشته؛ خلفای راشدین، بنی‌امیه، بنی‌عباس، فاطمیان، اسماعیلیه و... چنین رفتاری برای «حفظ قدرت» سابقه دارد؟
- ۲- آیا برای «حفظ نظام» چنین رفتاری توجیه دارد؟
- ۳- آیا سکوت و تحمل این رفتار، شرعی است؟
- ۴- آیا اگر جواب سوالات سه‌گانه فوق منفی است، چه باید کرد؟